



نادر مشایخی؛ اهنگساز در گفت‌وگو با همدلی:

مسئله موسیقی شاد کردن مردم نیست

سه‌شنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۱_ ۹ صفر ۱۴۴۴_ ۶ سپتامبر ۲۰۲۲

شهر

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



ادامه ایهام بر سرنوشت تیم ملی فوتبال و اسکوچیچ:

کارلوس کی‌روش برمی‌گردد؟

سال هفتم _ شماره ۲۰۱۴ _ ۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

صدای رئیس قوه قضاییه هم بلند شد:

اعتراض به انتصابات ناشایست

همدلی از ناکامی در کاهش آمار جدایی گزارش می‌دهد

طلاق جلوتر از برنامه ششم توسعه

وزیر راه هنوز خانه‌نشین است؟

ادامه پنهان کاری

«رستم قاسمی»

گزارش «همدلی» از اجرای تناقضی که در اجرای قانون در بازار سرمایه وجود دارد

پشت پرده صف‌های

خرید چند ساله برخی از سهام

آمار فریز تخمک در بین زنان و دختران بالای ۴۰ سال افزایش یافت

مادر شدن

با هزینه‌های گزاف

جزئیات جدید منتشر شد

دیدار مسعود با طالبان

در تهران

انگار وسط میدان جنگ بودیم

نحوه اداره کشور به روایت جهانگیری

درحالی که یک کتاب تازه منتشر شده برخی از سخنان ناگفته حسن روحانی را در جمع وزرای خود منتشر کرده و برخی رسانه‌ها از آن به‌عنوان افشاجری یاد کرده‌اند، در بخشی از این کتاب سخنانی نیز از اسحاق جهانگیری معاون اول رئیسی جمهور در دوره حسن روحانی منتشر شده است. این کتاب که «بدون دود و آتش و خون» نام دارد، روایت‌های جالب و جدیدی را به نقل از جهانگیری منتشر کرده که بخش‌هایی از آن به شرح زیر است:

شرح در همین صفحه



پرورنده‌ای برای شناخت سید قادر لاهوتی

همیشه با مردم

با یادداشت‌هایی از:

ولی‌الله شجاع‌پوریان، علی‌مندی‌پور

نرگس دوست، امیدنوروزی

محسن خرامین، محمد زرین

علی کامرانی، فریدون هاشمی



«لینز تراس» نخست‌وزیر جدید بریتانیا شد

کلید خانه شماره ۱۰ در دست یک زن

سرمقاله

دولت‌مردان و روایت متناقض «برنامه»



رضا صادقیان روزنامه نگار

تکرار واژه برنامه از سوی دولت‌مردان و در دولت‌های مختلف روایتی متناقض بسا کارنامه دولت‌های در مسند قدرت داشته و دارد. هدف اصلی دولتی‌ها از بازگفتن عبارت «برنامه داریم» چیست؟ معان اول رئیس‌جمهور در سخنانی گفته است: دولت کارهای بزرگی را شروع کرده است و امروز برای همه معضلات کشور از جمله نوسانات اقتصادی برنامه مدون داریم. چنانچه دولت را فقط در گفتار، سخنرانی، صدور بخشنامه برای سازمان‌ها و بولتن‌های منتشر شده طی ماه‌های گذشته در نظر داشته باشیم.

یادداشت‌ها

تعاونی‌های مسکن چه می‌کنند؟



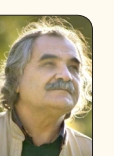
عبدالحسین طوطیایی پژوهشگر کشاورزی

سرزمین‌های بزرگی درون من سوخت



فیض شریفی منتقد و پژوهشگر ادبیات

مه‌خوان مه‌نویس



علی‌داریا جستارنویس و نویسنده

انگار وسط میدان جنگ بودیم

نحوه اداره کشور به روایت جهانگیری

توزیع کنیم. دو سناریو وجود داشت. اول اینکه همین وضعیت را ادامه دهیم. اتفاق عجیبی هم نبود چراکه در طول دوره چهار سال گذشته، فقط هفت سال قیمت ارز آزاد بود. در دوره آقای هاشمی چندین نرخ ارز وجود داشت. در دولت اول آقای خامنه‌ای ارز چندنرخه بود، بعد تک‌نرخه شد. در دولت احمدی‌نژاد هم ارز چند نرخه بود. سناریوی دوم همین اتفاقی بود که اجرا شد؛ یعنی تعیین قیمت واحد. قرار بود که قیمت ارز به عدد بالاتری برود ولی آقای رئیس‌جمهور مخالف بودند و در نهایت ۴ هزار تومان را پذیرفتند. باز هم بحث‌ها ادامه پیدا و کرد و قیمت ۴ هزار و ۲۰۰ تومان اعلام شد. مسئله این است که عدد فیکس نبود و قرار بود که بر اساس شرایط تغییر کند. بعد گروه‌بندی کالایی شد و تخصیص ارز صورت گرفت. سه ماه بعد در جلسه سران سه قوه که سیاست‌های جدید ارزی بحث شد همان موقع آقای لاریجانی که رئیس مجلس بودند، پیشنهاد داشتند که قیمت ۴ هزار و ۲۰۰ تومان ثابت بماند و سران موافقت کردند.

در مقطع شدت گرفتن تحریم‌ها ما کارهایی کردیم که با روحیات خودمان هم سازگار نبود. اگر تقاضا برای ارز با آن تصمیم کنترل نمی‌شد، معلوم نبود بعدازآن چه اتفاقاتی برای کشور رخ می‌داد. در دوران تحریم‌ها مسائل کشور به‌طورکلی عوض شد. اقتصاد ایران نیازمند برنامه‌های اصلاحی بود. ما هم می‌دانستیم که چطور باید اقدام کنیم و اساساً در ابتدای سال ۹۶ موضوع این بود که به سمت اصلاحات اقتصادی و توسعه برویم ولی تحریم‌ها ناگهان روی سر اقتصاد ایران خراب شد. همه‌چیز را عوض کرد. در این مقطع زمانی مجبور شدیم مدام با بخش‌نامه و اقدامات ضربتی اقتصاد را اداره کنیم.

این همان مقطعی است که انتقادات گسترده‌ای به دولت صورت گرفت. حتی گفته می‌شد در طول یک دوره زمانی شش‌ماهه، دولت بیش از ۱۲۰۰ بخشنامه صادر کرده است. بخش خصوصی و منتقدان دولت در این مقطع هم‌صدا شدند. این‌ها را می‌دانم که به ما انتقاد می‌کردند. دلیلش این است که شاید خیلی از موضوعات را کسی نمی‌دانست. حتی بخش خصوصی هم شاید به‌درستی نمی‌دانست که دولت زیر بار چه فشاری قرار دارد. البته خیلی از تصمیمات مقطعی بود و پس از رفع بحران، به حالت قبل بازمی‌گشت.

حضور مجلس یازدهم به‌غیراز شوک برای اقتصاد هیچ‌چیز نداشت. در مورد ارز فشار آوردند. برای بورس جلسه می‌گذاشتند و وزرا را هم دعوت می‌کردند. بعد چند روز وضعیت بورس صعودی شد و این‌ها خوشحال شدند و گفتند که حاصل جلساتشان بوده ولی باز هم که بورس نزولی شد، خیلی بی‌سروصدا جلساتشان را جمع کردند. متأسفانه این مجلس حتی درک درستی نکرد که همه این فشارها و رفتارها در دورانی انجام می‌دهد که جنگ اقتصادی ادامه دارد و دولت به معنای واقعی تنهای تنهاست. ماه رمضان، بعد از برپایی نماز خدمت‌مقام معظم رهبری موضوعات را عرض کردم. ایشان گفتند، اشکال شما این است که دیر تصمیم‌گیری می‌کنید. مدتی بعد در مورد برخی کارهای مجلس نامه‌ای خدمت ایشان نوشتم و گفتم کارهای آن‌ها ممکن است اوضاع را به هم بریزد. شاید در زمانی کمتر از دو ساعت پاسخ دادند و نوشتند مطالب مهمی است و باید توجه شود. بعدازاین مجلس قانون بودجه را تصویب کرد. ۲۰ درصد حاصل تحریم، فساد است. حجم تجارت ایران ۷۰ میلیارد دلار است. این رقم در جیب کسان می‌رود که در داخل کشور دنبال تحریم هستند. همین‌ها گروهی را در امارات بسیج می‌کنند که به ایران سرویس بدهند و در ازای آن چندین برابر معمول مطالبه مالی کنند. گروه سومی در چین شرکت تأسیس می‌کنند و فقط قصدشان این است که مشتری ایرانی داشته باشند که در دوران تحریم، آن‌ها را سرکیسه کنند. مشخص است که کانال‌های ارتباطی آن‌ها کجاست؟ پشتوانه آن‌ها قدرت سیاسی در داخل ایران است. این‌ها با تحریم کاسی می‌کنند. کاری هم به وضعیت مردم ندارند.

هنوز ارزی‌هایی که در دولت احمدی‌نژاد هدر رفت، شناسایی نشده است. در موضوع فساد خیلی‌ها دستگیر شدند که مربوط به دولت ایشان بودند. یک‌بار به آقای رئیسی گفتم، از زمانی که رهبری فرمان مبارزه با فساد را در سال ۸۰ داده‌اند، فساد زیاد یا کم شده است؟ وقتی که برخورد‌ها دوگانه باشد، همین می‌شود. حالا هم از دل مبارزه با فساد فقط فساد بیرون می‌آید.

درحالی که یک کتاب تازه منتشر شده برخی از سخنان ناگفته حسن روحانی را در جمع وزرای خود منتشر کرده و برخی رسانه‌ها از آن به‌عنوان افشاجری یاد کرده‌اند، در بخشی از این کتاب سخنانی نیز از اسحاق جهانگیری معاون اول رئیسی جمهور در دوره حسن روحانی منتشر شده است. این کتاب که «بدون دود و آتش و خون» نام دارد، روایت‌های جالب و جدیدی را به نقل از جهانگیری منتشر کرده که بخش‌هایی از آن به شرح زیر است:

یکی از دلایلی که می‌خواهم در انتخابات شرکت کنم، این است که به مردم بگویم طی این مدت چه بلاهایی سر آن‌ها آوردند. این حرف‌ها را برای ثبت در تاریخ و اطلاع مردم به آن‌ها باید گفت.

دولت‌ها یا به کارهای بزرگ می‌رسند یا به کارهای کوچک. دولت آقای روحانی ترکیب هر دو بود. از این نظر باید این دولت را موفق ارزیابی کنیم. توجه به روستاها، تأمین نیازهای عمومی مردم و خیلی موارد دیگر در همین دولت اتفاق افتاد. همان موقع که برخی آقایان با سیاه‌نمایی مشغول این بودند که برای خودشان هوادار جمع کنند، دولت تمام توانش را گذاشت که در جنگ اقتصادی دو کار مهم انجام دهد؛ مسئله اول اداره اقتصاد و مسئله دوم دور زدن تحریم‌ها بود.

آمریکا می‌خواست ما نفت نفروشیم. کشتی به کشتی ما را دنبال می‌کردند. وقتی نظام بانکی آن‌ها علیه ما شد، تقریباً تمام مفرهای انتقال پول به ایران را بستند. در این مقطع مسئله اصلی ما جابه‌جایی پول‌های خارج کشور میان حساب‌ها بود. این کار را انجام دادیم. کار سختی بود. سخت‌تر اینکه چنین کاری را بدون اینکه یک دلار از منابع کشور هدر برود انجام دادیم.

به‌جایی رسیدیم که ذخایر ارزی کشور به حدی بود که بتوانیم حداکثر کالاها را تأمین کنیم. درحالی که صنایع و تولید هم برای واردات و... نیاز داشتند. در این مرحله پتروشیمی‌ها و صنایع فلزی با آوردن ارزهای صادراتی‌شان به کشور کمک کردند. در ستاد مقابله با تحریم امکانی را فراهم کردیم که مدیران ریسک‌پذیر بتوانند کار کنند.

در دوره قبلی تحریم‌ها حداقل امارات و کشورهای عربی همراه ایران بودند ولی در این دوره آن‌ها هم با ما نبودند. دقت کنید که در این مقطع چطور باید صادرات می‌کردیم؟ فولاد می‌بردیم و به اسم غیر ایران به طرف چینی می‌فروختیم. پول به حساب یک شرکت چینی ریخته می‌شد و در نهایت با چند واسطه دیگر پول به ایران می‌آمد؛ اما در این مسیر هیچ تلفات مالی صورت نمی‌گرفت.

در اداره اقتصاد کشور سیاست تجاری جدید را پیش گرفتیم. ما هم خیلی چیزها را می‌دانیم. اینکه اقتصاد باید آزاد باشد، رقابت توسعه پیدا کند و قیمت‌گذاری اشتباه نیست؛ اما مگر در مورد شرایط عادی صحبت می‌کنیم. ما وسط میدان جنگ بودیم. در همین دوره زمانی برای اداره اقتصاد کشور و کنترل تقاضای ارز، واردات ۲ هزار و ۵۰۰ قلم کالا ممنوع شد. واردات خودروهای بالای ۲۵۰۰ سی‌سی را ممنوع کردیم. برجام حاصل تلاش ظریف، روحانی و مقام معظم رهبری بود. ترامپ آن را به هم زد. اگر بعد از ترامپ از برجام خارج می‌شدیم، الان هیچ امکاناتی برای مذاکره نداشتیم و بدتر اینکه ترامپ را خوشحال کرده بودیم. در همین دوره با تمام سختی‌ها و بدبختی‌ها، مواد اولیه کارخانه‌ها تأمین شد و هیچ کارخانه‌ای به دلیل عدم واردات مواد اولیه تعطیل نشد. این‌ها در چه زمانی رخ داد؟ وقتی که بنادر جهانی به روی کشتی‌های ما بسته بود.

داستان ارز ۴۲۰۰ تومانی از آن جفاهای تاریخی است. اگر دولت در آن مقطع ورود نمی‌کرد، قیمت ارز جهش عجیبی پیدا می‌کرد. از چند هفته قبل‌تر ایادی برخی کشورهای منطقه در بازار ایران رخنه کرده بودند و دلار کاغذی جمع می‌کردند. اسفند سال ۹۶ کل ذخایر اسکناس بانک مرکزی به کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار رسیده بود. روس‌ها به ایران ارز نمی‌دادند. تصور تحریم کنندگان این بود که این وضعیت را ادامه دهند که فشار به تأمین کالاها را اساسی برسد و داستانی مانند آنچه برای پوشک رخ داد، بازهم تکرار شود. این جمع‌بندی همه اعضای جلسه بود. من اعلام کردم. هنوز هم معتقدم در آن مقطع زمانی تصمیم درستی بود.

همه می‌گفتند وضعیت ارز خراب است. رئیس‌کل بانک مرکزی می‌گفت، باید ارز

سرمقاله

دولت‌مردان و روایت متناقض «برنامه»

رضا صادقیان – تکرار واژه برنامه از سوی دولت‌مردان و در دولت‌های مختلف روایتی متناقض با کارنامه دولت‌های در مسند قدرت داشته و دارد. هدف اصلی دولتی‌ها از بازگفتن عبارت «برنامه داریم» چیست؟

معان اول رئیس‌جمهور در سخنانی گفته است: دولت کارهای بزرگی را شروع کرده است و امروز برای همه معضلات کشور از جمله نوسانات اقتصادی برنامه مدون داریم. چنانچه دولت را فقط در گفتار، سخنرانی، صدور بخشنامه برای سازمان‌ها و بولتن‌های منتشر شده طی ماه‌های گذشته در نظر داشته باشیم، شنیدن داشتن «برنامه مدون» از سوی چهره‌های اصلی دولت همراه با آرامش خواهد بود. چرا که شهروند ایرانی با دولت و دولت‌مردانی روبه‌روست که برای اداره کشور نه‌تنها گرفتار اجرا کردن برنامه‌های بیجان، هزینه‌ساز و روزمره نخواهند بود، بلکه بر اساس برنامه می‌دانند مدیران ارشد دولت کشور را به کدامین سو هدایت می‌کنند.

آن‌سوی دیوار بلند داشتن برنامه، همخوانی واژه برنامه و لمس آن توسط مردم در زمین واقعیت است. دولت وقتی از برنامه‌محور بودن فعالیت‌های اجرایی سخن می‌گوید، لاجرم باید تأثیر این برنامه و سایر برنامه‌های مشابه را در زندگی مردم به تصویر بکشد. تصویری برآمده از واقعیت‌های جاری و همخوان بازندگی مردم. صرف سخن گفتن و تکرار کلمه برنامه در مقام مقایسه بازندگی شهروندان چندان محل توجه نیست. وقتی دولت زندگی شهروندان را بهبود ببخشد و امنیت روانی و اقتصادی را به کشور بازگرداند، حتی اگر بدخواهان، رسانه‌های معاند و بلندگوهای خارجی بارها از کاستی‌ها و کمبودها سخن بگویند و کارنامه دولت را موفق ارزیابی نکنند، چندان مهم نیست و اساساً خبرهای منفی بی‌اثر می‌شوند، چرا که مردم آرامش، آسایش، امنیت و رفاه را زندگی می‌کنند.

مشکل اصلی دولت‌مردان دولت سیزدهم تکرار واژه‌هایی است که تضاد آن کلمات در ساختار دولت هویداست. به‌عنوان مثال، دولت از آسایش شهروندان می‌گوید، اما در عمل امکان جلوگیری از تورم را نداشته است. دولت از رفاه و حذف خط فقر می‌گوید، اما این‌سوی واقعیت شاهد افزایش روایت‌هایی درباره آمار فقر، کوچک شدن سفره مردم، کاهش مصرف میوه، گوشت قرمز و آبیان در سفره‌های مردم هستیم. همچنین دولت از افزایش سرعت اینترنت می‌گوید، اما بر اساس تجربه می‌توان مدعی شد که سرعت اینترنت در تلفن‌های هوشمند، کامپیوتر و... طی سه ماه گذشته کاهش چشم‌گیری داشته است. دولت از تأمین مسکن شهروندان می‌گوید، اما با گذشت یک‌سال پس از استقرار دولت نه‌تنها این وعده در حوزه عملیاتی نامشخص مانده بلکه شاهد افزایش بی‌رویه قیمت مسکن و به‌تبع آن کرایه‌خانه هستیم، نتیجه آنکه فشار بیشتری روی شانه‌های مستأجران آمده است. مهم‌تر از این موارد می‌توان به وضعیت بازار سرمایه، افزایش قیمت خودرو و نوسانات دلار اشاره کرد.

سخن پایانی؛ حکایت داشتن برنامه به تکرار واژه برنامه نیست، بلکه به تأثیر مثبت برنامه در زندگی مردم مربوط است. فرض کنیم چهره‌های اصلی دولت در سخنرانی، مصاحبه، یادداشت و بازدید از استان‌ها درباره کنترل سیل نقدینگی و تورم بگویند و شاهدان نیز گفته‌های آنان را بسا جان‌دل نوش کنند، اما همین مخاطبان وقتی برای خرید به اولین سوپر مارکت فروشگاه لوازم‌خانگی، قطعات یدکی، پوشاک، لوازم بهداشتی و آرایشی، داروخانه، تمدید قرارداد خانه و مغازه و... سر می‌زنند و مانند ماه گذشته شاهد رشد قیمت‌ها هستند، نه‌تنها واژه برنامه را به دیوار خواهند کوبید، بلکه سایر اقدامات دولت در بخش‌های دیگر را هرچند کوچک و کم‌اثر منکر می‌شوند.

یادداشت

تعاونی‌های مسکن چه می‌کنند؟

عبدالحسین طوطیایی – در سال‌های دهه ۶۰ که بسیاری از دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی زمین‌هایی در اختیار داشتند با حمایت از تشکلات تعاونی‌های مسکن اقدام به واگذاری‌های اراضی بین کارکنان خود نمودند. در آن سال‌ها جمعیت کشور هنوز به استانهایی نرسیده بود که باور کنیم این اراضی به‌عنوان ثروت ملی به‌تمامی نسل‌های آینده تعلق داشته و برای درمان مقطعی مشکل مسکن نباید هزینه شوند. اگر هم دغدغه‌ای برای حل مشکل مسکن وجود داشت چه‌بسا از مسیری منطقی و عادلانه‌تر که تمامی اقشار اجتماعی را در برگیرد این حمایت‌ها باید صورت می‌گرفت. به‌هرحال کفگیر این نوع اراضی سرانجام به تعدیگ خورد و نسل بعدی کارکنان این دستگاه‌ها با اتفاقا به لحاظ کمی بیشتر هم شده بودند، تنها با تابلوهای این تعاونی‌ها که کماکان اتاق و دفتری را در گوشه‌های حفظ کرده بودند و برپرو می‌شدند. از آن پس این تشکلات‌های غیردولتی تحت عنوان «تعاونی مسکن» در حاشیه شهرها یا حتی نقاط پرچاندبه تجاری در جستجوی مواردی بودند که با مشارکت مالی همکاران علاقه‌مند بتوانند اقدام به خرید، تغییر کاربری و احیای ساخت‌وساز برای اعضای خود کنند.

اگر به تعداد فراوان دفاتر خریدوفروش زمین و املاک در تمامی کشور و تا اعماق روستاها نگاهی بیفکنیم درمی‌یابیم که فراوانی آن حرفه در قامت یک بحران در عرصه اقتصادی خود را نشان می‌دهد. بحرانی که اساساً مبتلا به کشورهایی است که صادرات نفت و گاز و... سهم عمده‌ای از درآمد ملی آن کشورها را تشکیل داده و همواره تحت نام «بیماری اقتصادی هلندی» مطرح بوده است. بیماری که بیش شش دهه است با شدت زیادی عرصه اقتصاد کلان کشور ما را هم به خود آلوده نموده است. متأسفانه اکثر تعاونی‌های مسکن مورداتراره فوق هم به‌تدریج وارد این چرخه باطل شده و از فرصت درآمد ناگفتی همکاران دستگاه متبوع خود و نیاز فوری آنان به مسکن و چه‌بسا ترمیم هزینه‌های معیشتی برای به‌هتزاز گذاشتن تابلوهای کج‌فروغ خود بهره بردند. هیات مدیره‌های این تعاونی‌ها چه بسیار موارد پر چالش را در جمع‌های اعضای خود به گونه سربایی فریبنده توصیف و آنان را به سرمایه‌گذاری در فضای ممالود آن تشویق کردند. اعضای که گاه ناگزیر شدند با فروش زینت‌آلات و حتی فرش زیر پای اعضای خانواده در این سرمایه‌گذاری‌های مبهم شرکت کرده و به انتظار وعده‌های این تعاونی‌ها بنشینند.

به‌عنوان یکی از مصادیق این موج فراگیر می‌توان به چند شرکت تعاونی مسکن مستقر در ستاد وزارت کشور نیز اشاره کرد. سال‌هاست سرمایه محدود اعضای این تعاونی‌ها که با پسوند «وزارت کشور» نام‌گذاری شده‌اند به‌عنوان خرید اراضی در گوشه‌کنر تهران تا غرب استان البرز، سرمایه‌ای از اعضای خود ستانده و با وعده‌هایی موهول و به‌آینده‌های مبهم به شیوه‌های سرگردان رها نموده‌اند. ای‌کاش تا قبل از اینکه ناله‌ها و حرمان این قبیل مالباختگان بیش از این آنباشته‌شده و در عرصیان‌های کور جامعه سر برون آورد دستگاه‌های قضایی، اجرایی و به‌خصوص وزارت کار، تعاون و امور اجتماعی به بررسی در این عرصه پرحاشیه و بعضاً آلوده بپردازند. با توجه به ذکر مصداق تعاونی‌های مسکن وزارت کشور که اشاره شد باید از وجود چنین التهایی در ستاد این وزارت را بیش از سایر دستگاه‌ها ابراز شگفتی نمود. وزارتی با گستره اجرایی در جای‌جای این سرزمین که ضمن وظیفه‌انتظام و امنیت، در عین‌حال عهده‌دار هماهنگی تمامی نهادهای سه‌قوه در استان‌های کشور است چگونه اجازه داده که این تعاونی‌ها، کانونی از تولید ناراضی و چه‌بسا مالباختگی شوند؟ آیا چنین امری از اقتدار و قامت مورد انتظار در این وزارت نمی‌کاهد؟